

مجسمه‌های مسعود اخوان جم

پنجره‌های تازه به روی مجسمه‌سازی ایران

آزاده جعفریان |



کهن الگو و نیز روایتی جامعه‌شناختی مرور می‌کند؛ از همین‌روست که هم در شیر و هم در پروانه این قدرت را جست‌وجو می‌کند؛ از باورهای کهن، شیر و گاو تر را یادآوری می‌کند و از منظری جامعه‌شناسانه قلب و پروانه را قدرتمند می‌خواند؛ اما او در پایان قدرت تغل بشر را سرآمد می‌بیند؛ این هنرمند درباره پرداختن به مفهوم قدرت اظهار می‌کند: «با دو رویکرد عمده این مفهوم را مطرح کرده‌ام؛ اول که در نگاه نخست هم پیداست، فرم و ماده است و دیگری معنایی که در هر یک از مجسمه‌ها ساری و جاری است؛ تکنیک این آثار، یعنی خود استینلس استیل از نظر نمادی از قدرت است زیرا از مهم‌ترین ابزارهای امروزی است که توانمندی بشر را برای ساخت مصنوعات به شدت افزایش داده است؛ اما در عرصه مفهوم من در این نمایشگاه به سراغ ساخت نمادهایی رفته که به‌عنوان مظاهر قدرت در جهان امروز شناخته می‌شوند.»

اخوان جم درباره سمبلیک بودن آثار ارائه شده در این نمایشگاه نیز می‌گوید: «بعضی از مجسمه‌های این مجموعه در فرهنگ‌های مختلف مظهر قدرت‌اند؛ من با هدف ارائه هنری و آرتیستیک‌شان، فرم‌های انتزاعی را در آنها تقویت کردم اما آثار دیگری با محوریت مفهوم قدرت تفکر با قدرت جامعه‌نیز در این مجموعه خلق کردم که در واقع روایت من از مفاهیم تازه قدرت است که به‌تفکر فرم‌هایی سمبولیک یافته‌اند.»

وی بابیان این که من این نمادها را به نمادهای موجود اضافه کرده‌ام، می‌افزاید: «مجسمه «پر تابگر ذهن» به‌منظرم از منظری که اشاره شد، مهم‌ترین اثری است که در این نمایشگاه وجود دارد. در واقع در دنیای امروز نمادهایی که نشانگر قدرت جسمانی هستند کارکرد ندارند بلکه این نوع تفکر و تغل است که در جهان امروز می‌تواند به‌بشر قدرت بخشد.»

به‌زیانی دیگر، بازیابی کهن الگوهای در معنای قدرت با زبانی معاصر سبب می‌شود مجسمه‌های «پروانه» و «قلب» در کنار «شیر» و «گاو تر» به نمادهای نوظهور

مجسمه‌سازی ایران در عین تثبیت در خاورمیانه و خلق رکوردهای بالا، مدت‌هاست در عطف تکنولوژی است؛ هزینه سرسام‌آور تولید مجسمه‌های بزرگ، کافی سبب شده، مجسمه‌های ما در اندازه‌های کوچک باقی بمانند و از آن مهم‌تر از حضور مترتال‌های نوین و سازه‌های معاصر دنیا دور بمائیم اما این روزها باز قه‌های امیدی پدیدار شده است؛ در دومین نمایش انفرادی آثار مجسمه‌های مسعود اخوان جم که در فرهنگسرای نیلوران به تماشاست؛ عنوان این نمایشگاه متفاوت و امیدبخش «قدرت» است؛ قدرت، فقط یک مجموعه مجسمه از یک هنرمند نیست؛ روایتی نوظهور از ورود دانش و تکنولوژی در خلق آثار هنری است که ۳۰دهه است در دنیای هنر مرسوم است؛ تکنیک خاص و مترتال خاص در جای خود معنا می‌آفریند و از همین‌رو دنیای مجسمه‌سازی ساحت‌های تازه‌ای را سیر می‌کند؛ آثار اخوان جم آفرینش‌های هنری است که از علم مهندسی فلزات، تکنولوژی و صنعت ساخت و یک کار گاه بسیار پیشرفته حکایت دارد. آثاری در ابعاد خیره‌کننده که از ماده‌ای ۲۰ برابر سبک‌تر از آهن پدید آمده‌اند؛ یکی از این مجسمه‌ها، شیر، آن قدر بزرگ است که در بزرگ حیاط جلوه‌گری می‌کند؛

مجسمه‌هایی که هم فیگوراتیو و هم در عین حال انتزاعی هستند، میل به‌سوی بالا و آسمان دارند و در عین ایستایی و سکون، نوعی حرکت درونی و جنبش فطری در آنها مشهود است اما از همه این توصیف‌ها، تکنیک شکل‌گیری، مترتال نوین آنها و اندازه و وزن چندصد کیلوپی آنها مهم است؛ اخوان جم درباره این آثار می‌گوید: حدود ۳۰میل قالب تصمیم گرفتم روی چنین مجموعه‌ای کار کنم. حاصل این تلاش مجسمه‌های من از ۱۰ مجسمه است؛ برای ساخت این مجسمه‌ها از استینلس استیل استفاده کردم که در حقیقت بیشتر در لوازم خانگی، صنایع بهداشتی و پزشکی کاربرد دارد.» استینلس استیل مترتال جهانی و معاصر دنیای مجسمه‌سازی است که جف کونز و آنتیث کاپور، بزرگان تثبیت شده از آن بهره می‌برند و به سازه‌های چینی و روزآمد هنرمندان پیشرو بدل شده است؛ حالا در ایران هم این اتفاق مهم رخ داده است؛

اخوان می‌گوید: «دلیل استفاده از چنین ماده‌ای این بود که به‌نظرم استیل فراورده عصر معاصر است که خلق اثر از آن می‌تواند تاول‌آفرین باشد؛ در عین حال فولاد ۱۰ برابر آهن سختی دارد و استینلس استیل ۱۰ برابر سختی فولاد است؛ فولاد سختی که در این مترتال بسیار دشوار است و معمولاً هنرمندان کمی با آن کار می‌کنند زیرا اجرای آن بسیار دشوار است اما همین موضوع برای من به‌عنوان یک چالش مطرح شد و دوست داشتم با آن مبارزه کنم و خلق اثر هنری از دل این ماده سخت برآیم شیرین‌بود.»

-تعریف تازه از قدرت در ساختار جامعه انسانی

به این‌ها مدافقت کنید؛ آوای زندگی، ققنوس، عقرب، قلب، پروانه و... نام مجسمه‌های اخوان جم هستند؛ مظهرهای تازه قدرت از نگاه او در دنیای امروز که حتماً تامل‌انگیزند؛ هر چند او جایی از یکون‌های سنتی قدرت را نیز خالی نمی‌گذارد و در انتها از قدرتی نوظهور که زاییده دانش و رشد علم است و خرد آدمی است دربردار می‌کند؛ لذا بجاست اشاره شود جواز ویژگی‌های تکنیکی آثار مسعود اخوان جم، معنا نیز در مجسمه‌های او ظهور و بروز جالب‌توجهی دارد، او مفهوم عامی چون قدرت را به‌صورت موازی در

نرم‌رو

مریم درویش | زندگی، نام‌آثر چیدمان رضالواسانی است که در دهم بهمن در گالری اثر به نمایش درآمده است. این مجسمه‌ساز، تصویرگر و نقاش با بهره‌گیری از تمام تجربیات قبلی خود اثری مفهومی را خلق کرده که شایده برای بینندگان آن مفاهیم متفاوتی داشته باشد.

اگر این روزها سرتی به گالری اثر بزنید با فضای عجیبی مواجه می‌شوید. آن‌جا خبری از تابلوهای روی دیوار یا مجسمه‌های قرار گرفته روی سکو نیست، در عوض شاهد میزی بزرگ خواهید بود که تمام فضای گالری را اشغال کرده است. انگار که فضای گالری برای یک ضیافت بزرگ آماده شده و قرار است آن‌جا مهمانی پذیرایی شود. این میز آن قدر بزرگ است که هم‌اوقات تماشایی به‌حمت می‌تواند از فاصله میان میز و دیوار گالری برداشد.

روی میز پذیرایی لوازمی مانند کاسه، بشقاب، قاشق، چنگال و... قرار گرفته در حالی که دوزیانه بودن چنگال، فرمی بسیار قدیمی و بدوی از لوازم کاربردی زندگی را به ذهن بیننده متبادر می‌کند و به‌نظر می‌رسد سال‌های طولانی از چیده‌شدن این میز می‌گذرد.

تنها خوراکی‌هایی که برای پذیرایی از مهمانان آماده شده سبب، گلابی و انار است و به نظر می‌رسد میزبان قصد داشته فقط با مواد کاملاً طبیعی از مهمان‌های خود پذیرایی کند. در سراسر میز حجم‌های کوچک دایره، بیضی و مربع به شکل توده‌های کوچک وجود دارد که اگرچه نوعی خوراکی را نمایان می‌کنند اما ماهیت اصلی آنها مشخص نیست.

چند شمعدان، گلدان و شاخه‌های گل روی میز قرار گرفته‌اند تا جلوه بهتری به میز پذیرایی بدهند اما کمی دقت لازم است تا متوجه شوید پایه یکی از شمعدان‌ها به شکل قسمتی درآمده که یک پرند بسیار کوچک در آن زندانی شده است. به‌جز لوازم پذیرایی روی میز، موجودات زندانی هم حضور دارند، در قسمتی از میز یک پرند تنها نشسته و در سوی دیگر دو اسب حضور دارند که در مقابله با ابعاد میز و لوازم روی آن بسیار کوچک هستند. این حیوانات شباهتی به مجسمه‌ای که برای تزئین روی میز قرار گرفته باشد، ندارند و به‌نظر می‌رسد کاملاً زنده هستند و در فضای روی میز

گفت‌وگو

گفت‌وگو با «حجت شکیبایا» به بهانه راه‌اندازی گالری شکیبایا

نگارخانه سینمایی ترین نقاش ایران

آرزو جعفریان |

ایسن روزها خبری در رسانه‌ها آمده که نقاش مجموعه‌هاز داستان و فیلم‌های مرحوم «علی حاتمى» گالری شکیبایا بازگشایی کرده است. روز جمعه هشتم اسفندماه نگارخانه شکیبایا به جمع گالری‌های تهران پیوست و آثاری از «استادان هنر ایران» چون محمود فرشچیان، علی شیرازی، اسرافیل شیرچی، جلیل رسولی، ناصر اویسی، علی‌اکبر صادقی، حجت شکیبایا و اسرافیل شیرچی در این گالری به معرض تماشا گذاشته شد. شکیبایا برای نمایش آثار هنری در گالری خود محدودیت سبک و مدیوم هنری قایل نیست و عقیده دارد هر اثر هنری که کیفیت خوبی داشته و به درستی انجام شده باشد می‌تواند در نگارخانه شکیبایا نمایش داده شود.

حجت‌الله شکیبایا در سال ۱۳۲۸ در محله باغشاه شهر گرگان به دنیا آمد، پدرش میرزا محمود عکاس بود. وی در سال ۱۳۲۰، قبل از به دنیا آمدن، حجت این عکاسخانه را راه‌اندازی کرده بود و البته به غیر از عکاسی، دستی هم در هنر نقاشی داشت. شکیبایا همان عکاسخانه‌بزرگ‌گشده

کلاس دهم بود که به تهران و به هنرستان هنرهای زیبای پسران رفت. آنجا شاگرد استادان بزرگی مانند غلامحسین نامی، وزیر، جعفری و مقیمی تبریزی بود. پس از آن بلافاصله به دانشگاه رفت و در رشته هنرهای زیبا تحصیلاتش را آغاز کرد. پس از اینکه به دانشگاه رفت، تمام تلاشش این بود که کارش را جدی‌تر شروع کند، روشی به کار بست که به عکاسی هم ارتباط داشت. سبک جدیدی به نام فتورنالیست یا هایپرنالیست بود که آن زمان در ایران متداول نبود. اولین نمایشگاه وی سال ۵۵ در گالری سبحون برگزار شد که اسکناس و عکس‌های قدیمی ایران را هنرمندان انتزاعی مانند جکسون پللاک و فرانز کلین برای من الهام بخش بودند. از تباط بین خطوط فضا و بیان در آثار آنها، همچنین انتزاع استفاده شده و در این آثار، همه و همه مرا بر آن داشت تا به طرح‌های که در ذهنم می‌پروراندم جمله‌عمل پوشانم. از این میان هنرمندان ایرانی، گروه شیشه‌گران بیشترین تأثیر را بر من گذاشتند. همیشه مجذوب مجسمه‌های نیمه‌انتزاعی و نیمه‌فیگوراتیو بوده و هستم. در این مجسمه‌ها، لایه‌های از خطوط پیچیده شکر قدیم مشهود، در واقع برده شده‌اند و اغلب به‌نظر می‌آید که هیبت موجودی زنده را تداعی می‌کنند. با توجه به سمت اجرایی خود در طراحی محصولات و کسب تجربه و دانش در فرآیند شکل‌دهی ورق فولاد و ریخته‌گری فلزات، درک عمیق و ارزیابی بهتری از آثار فلزی و مخصوصاً فولاد زنگ‌دین و برنز، به‌دست آوردم. این ویژگی همسراه با تمایل زیاد من ساخت طرح‌های خود، باعث شد تا در سال ۱۳۶۰، نخستین مجسمه‌های برنز را در کارگاه بسازم. مجموعه نخست من، متشکل از ۹ اثر بود که خیزش نام داشت و در سال ۱۳۶۲ در گالری اعتماد به نمایش درآمد. برگزاری این نمایشگاه نشان داد که برای تحقق بخشیدن به آرزوهای و خواسته‌ها باید فکر و اشتیاق را با هم تلفیق کرد و به سادگی، البته خیلی ساده آغاز به کار کرد.»

قدرت بدل ششوند و بر همین مبنا، اخوان جم می‌کوشد تعریف تازه‌ای از قدرت در ساختار جامعه انسانی را در دنیای امروز نشان دهد.

-روایت هنرمندان نخستین تجربه مجسمه‌سازی در آلمان

مسعود اخوان جم متولد ۱۳۴۸ در تهران است. او از ۱۴سالگی برای تحصیل به مدرسه شبانه‌روزی لندنشولهایم اشتاین موله در شهر ماربورگ آلمان رفت و در سال ۱۳۶۸ برای ادامه تحصیل به آمریکا عزیمت کرد. وی در دانشگاه جورج واشنگتن مشغول به تحصیل شد و مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۳۷۴ در رشته بیولوژی اخذ کرد. پس از آن، در سال ۱۳۸۴ کارشناسی ارشد ام‌بی‌ای (EXECUTIV MBA) خود را در دانشگاه علوم کاربردی کمپتن در آلمان به پایان رساند. او از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۰ مدیریت بخش طراحی را در یک کارخانه بزرگ تولیدکننده لوازم خانگی در ایران برعهده داشت. وی در این مدت به مجسمه‌سازی علاقه‌مند شد و مجسمه‌های متعددی ساخت. او نخستین نمایشگاه انفرادی مجسمه‌های برنزی خود را سال ۱۳۹۲ در گالری اعتماد در تهران برگزار کرد و تا به حال آثارش در نمایشگاه‌های گروهی متعددی از جمله در ایرگالری دوبی راه یافته است اما روایت او از این دوره خوانندگی است.

«در طول تحصیلات دبیرستان خود در آلمان، یک‌بار در برنامه تابستانی شرکت کردم که در آن مجسمه‌هایی از جنس سرامیک اس می‌ساختیم. دانش‌آموزانی که خلاقانه ساخته بودند، به ساخت اشکال بیشتر و همچنین ساخت یک دست کامل شطرنج رغبت نشاگر قدرت جسمانی هستند کارکرد ندارند بلکه این نوع تفکر و تغل است که در جهان امروز می‌تواند به‌بشر قدرت بخشد.»

به‌زیانی دیگر، بازیابی کهن الگوهای در معنای قدرت با زبانی معاصر سبب می‌شود مجسمه‌های «پروانه» و «قلب» در کنار «شیر» و «گاو تر» به نمادهای نوظهور

به بهانه نمایش چیدمان «زندگی» رضالواسانی در گالری اثر

زندگی در امتداد مرگ



که شاید نمادی از زمین و طبیعت باشد به حیات خود ادامه می‌دهند.

رومیزی‌ها هنوز خط تا دارند، انگار چاره‌هایی گرانقیمت هستند که به مناسبت این مهمانی از کمد خارج شده و بدون اتو شدن روی میز پهن شده‌اند. اما جمع‌شدگی و تاخوردگی لبه‌های آنها نشانی از گذر زمان و بی‌توجهی نسبت به آنهاست. این فضای بی‌رنگ و غبار گرفته، بیننده را به فکر کردن در مورد مهمانی زندگی وادار می‌کند و هیچ‌کس نمی‌داند که پرند میزبان تمام‌مانده یا پیش از برگزاری لغو شده، یا شاید هم به‌خوبی برگزار شده و به پایان رسیده‌است.

لوستر پرهیبت و بسیار بزرگی که بالای میز نصب شده، فضایی متوم و ترسناک ایجاد می‌کند. این لوستر آن قدر پایین نصب شده که بیننده برای عبور از زیر آن باید خم شود. خطوط موازی و منحنی به همراه فرم نوکتیزی در قسمت پایین آن که با

پایه ماشه تکنیکی قدیمی است که با خمیر کردن کاغذ باطله و ترکیب آن با آب و سریش، ماده مورد نیاز برای ساخت مجسمه به‌دست می‌آید. زندگی، امتداد آن به نام مرگ و زندگی دوباره، نشانی از چرخ حیات است که حتی در باز یافت کاغذ هم وجود دارد.

اما صندلی‌ها کجا هستند؟ مهمان‌ها کجا نشسته بودند یا قرار است، بنشینند؟ یا شاید هم این محفل برای نشستن و آرامش یافتن مهیا نشده و فقط باید نوشهای با برگرفت و گذر کرد؟ اگر این میز و چیدمان نمادی از دنیا و مسیر زندگی انسان باشد، به‌عنوان محل عبوری در نظر گرفته شده که مخاطب بدون فراهم شدن امکانی برای توقف یا نشستن، فقط می‌تواند در حد توان خود از آن بهره‌بگیرد و بگذرد. تنها صندلی که برای این مهمانی در نظر گرفته شده را در فضای خارج از گالری می‌بینید. در اتاق کنار در ورودی گالری که نمای شیشه‌ای آن از پیاده‌رو پیداست در میان اتاق خالی یک صندلی تنها را می‌بینید که یک سیب روی آن گذاشته شده است. شاید این صندلی خارج از محیط مهمانی، نمادی باشد از آسایش و سکوتی که روزی به آن دست خواهیم یافت.

شبهه ساخت این مجموعه از نظر بصری شباهت زیادی به کارهای قبلی لواسانی در زمینه نقاشی، تصویرگری و مجسمه دارد. حیوانات چندتکه که انگار با لالوهای به‌هم وصل شده‌اند، پوشش‌هایی که مانند لفاف روی اجسام و حیوانات قرار گرفته‌اند و لبه آنها مشخص است، لبه‌های زایدی که روی میوه‌ها، ظرف و... دیده می‌شوند و انگار بر اثر سهل‌انگاری هنگام قالب‌گیری به‌وجود آمده‌اند و... نکاتی هستند که در بسیاری از کارهای او دیده می‌شوند.

رضالواسانی هیچ متن یا توضیحی برای نمایش اثر خود در نظر نگرفته و تنها از یک بیت حافظ استفاده کرده است «ره در عشق از آن سوی فضا صد خطر است / تا نگویی که جرمم به سر آمده رستم» و تمام مفاهیم موردنظر خود را در این بیت یافته و موضوع مرگ و زندگی را که دو سر یک رشته هستند، در چیدمان خود نمایش داده‌است.

